

بیانیه تحلیلی سازمان بسیج اساتید دانشگاه ها، مراکز آموزش عالی و پژوهشی پیرامون تحولات اقتصادی- اجتماعی کشور

در ماههای اخیر، شرایط حساس، پیچیده و چند وجهی بر ایران اسلامی و منطقه پیرامونی ما حاکم شده و همزمان با دستاوردهای کم نظیر علمی و اجتماعی در کشور و فتوحات متعدد منطقه ای جبهه مقاومت، ناکارآمدی بخشهایی از دستگاه اجرائی کشور نگرانی های اقتصادی برای مردم و توده های مستضعف را آشکار نموده است.

پس از اعتراض بخشهایی از مردم درباره سیاست های اقتصادی ناکارآمد دولت دوازدهم و همچنین عملکرد کم رفق آن در دی ماه سال گذشته، در هفته های اخیر نیز موج تازه ای از تنش ها و التهابات اجتماعی شکل گرفته که هویتی جز آنچه پیش از این رخ داده بود، ندارد.

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی با تفکیک دقیق اعتراضات مردمی از اغتشاشات در ماجراهای دی ماه سال ۹۶، به دولت تکلیف نمودند که اقدامات فوری برای علاج دردهای اقتصادی کشور انجام دهد؛ ولی متأسفانه کم کاری و ضعف دولت کار را به جایی رساند که آشفتگی های اخیر بازارهای ارز، طلا، مسکن و خودرو دل نگرانی های عمیقی را برای همه اقشار مردم و توده های مستضعف فراهم آورده که حل آنها نیازمند اقدام عاجل، قاطع و بدون مسامحه مسئولان است؛ در این شرایط، جای تعجب است که دولت محترم هنوز در قبال این آشفتگی ها و نابسامانی ها خود را مسئول و پاسخگو ندانسته، و تدبیر عاجلی ننموده و برنامه اقتصادی منظم و مدونی ارائه نمی نماید. امروز لازم است حفظ ارزش پول و سرمایه های توده های مردم در دستور کار دولت قرار گرفته و اقدامات فوری برای حل مشکلات طبقات محروم صورت پذیرد. سوء مدیریت و بی عملی دولت محترم، بی توجهی به استراتژی اقتصاد مقاومتی، اعتماد گسترده به آمریکا و اروپای همدست او، بی برنامه گی در تدبیر اقتصاد کشور و وضعیت نابسامان اقتصادی که مخصوصاً طبقات ضعیف جامعه را با فشار و تنگنا مواجه کرده است، منشأ اصلی این مشکلات می باشد.

صاحب نظران اقتصادی بر این نظرند که پیش بینی این وضعیت، کار دشواری نبوده است لکن متأسفانه باوجود کم کاری دولت، نگرانیها و اعتراض های معیشتی مردم، ادامه دارد و بیم آن است که موج پدید آمده، فروکش نکند؛ چون در مبانی نظری تکوین آن، اهتمام و اعتنایی درخور به نقش و مطالبات مردم وجود ندارد، از این رو رویکرد اتخاذ شده از سوی دولت در علاج دردها و دغدغه های مردم کارآمد نیست. اساتید دانشگاه های کشور به هیچ روی، قصد یأس پراکنی و نومیدسازی ندارند و نمی خواهند در توصیف آنچه می گذرد، طریق بی انصافی و مبالغه در پیش گیرند که این خود در مسیر خواست دشمنان پلید ایران است؛ بلکه منظور این است که اگرچه گره ها و معضلات معیشتی مردم، گشودنی و قابل حل می باشد و راه حل ها و راهکارهای اقتصادی و مدیریتی فراوانی برای آن وجود دارد - که در بسته سیاستی پیوست ارائه خواهد شد-؛ اما ظاهراً این کار، از کارگزاران خسته و بعضاً اشرافی ساخته نیست و با این روحیه نمی شود طبیب تن رنجور معیشت مردم بود. اگر دقیق تر به ریشه ها و سرچشمه های وضع کنونی بنگریم، در خواهیم یافت که در طول سال های اخیر، این جریان غربگرایی،

ناکارآمد بوده که بر حجم مشکلات و دشواری‌های مردم افزوده و گره‌ها را کورتر کرده است. پرواضح است دولت محترم باید دل به خدا و قوای ملت سپرده، لباس رزم اقتصادی پوشیده و بی‌توجه به وعده و وعید ایالات متحده آمریکا و مساعدت‌های توخالی دولت‌های اروپایی، چشم به ظرفیت‌های بومی و درونی افکند و قوا و استعداد‌های نهفته ملی را در این پیچ تاریخ بارور سازد. مع الاسف مبانی نظری دولت محترم در حوزه اقتصادی و سیاست اگر با مؤلفه‌های بومی قدرت ایرانیان گره و پیوند نیابد، فاصله پُرنشدنی بین دولت و مردم، سبب بیگانگی سیاسی مردم نسبت به این سنخ از حکمرانی شده و این تلقی را در ملت ایجاد خواهد کرد که نه مشقت‌ها و مصائب‌شان، دیده می‌شود و نه صدای‌شان، شنیده. اگر ملاک رایج اقتصاد، «اداره معیشت مردم» است و تکلیف حکمرانی، برآوردن «حقوق شهروندی»، پس نه تنها باید دغدغه‌های مردم را روا و به‌جا شمرد، بلکه باید بی‌چون‌وچرا، به مطالبات‌شان گردن نهاد و راه «انکار» و «فرافکنی» در پیش نگرفت. زیرا مردم، در سنت الهی «ودیعہ اللہ»؛ امانت الهی هستند، در این منطق، «جمهور» امانتی الهی بوده و جزو مخالفان و منتقدان سیاسی نیستند که بتوان با «تخریب» و «فرافکنی» و «جنگ روانی»، آنها را به حاشیه راند و بر صندلی قدرت، قوام یافت! کما اینکه حکومت، چنان که حضرت امیر - علیه السلام - تصریح کردند، «امانت» است، نه «طعمه»، اما باید تأسف خورد که برخی مناصب دولتی در اختیار برخی کسانی قرار گرفته که حکومت را طعمه انگاشتند و از حاشیه پیوند نامبارک ثروت و قدرت، «اشرافیت رسمی» پدید آوردند. براستی این درد، اگر علاج نشود، اساس و بنیان انقلاب را همچون موربانه می‌بلعد و به آسانی، «انقلاب» را به «ضد انقلاب» تبدیل خواهد کرد. این است سرّ حساسیت مؤکد و فراوان رهبر انقلاب نسبت به «بلای اشرافی‌گری».

علاوه بر این، رهبری معظم انقلاب بارها بر اقتصاد درون‌زا که متکی بر حمایت از تولید داخلی است، تأکید داشته‌اند، ولی متاسفانه روند قانونی فعالیت دولت، برجام و حفظ آن بوده که عملاً شاهد گشایش در امور ایرانیان نبودیم. برجام که قرار بود کلیه تحریم‌ها را از بین ببرد، اینک خود به وسیله ای بی‌رحم برای تحریم بیشتر ایران تبدیل شده است.

در این هفته‌ها و روزها که گرانی‌ها بیداد می‌کرد، به جای اینکه دولت محترم را مشغول تلاش برای حل مشکلات اقتصادی ببینیم، با کمال تعجب شاهد بودیم رئیس‌جمهور محترم با چند وزیر و مسئول کشوری به تله کابین توجال برای تفریح رفته‌اند! همانند این روحيات از طرف دولت، باعث شده که نه تنها از کالای‌های ایرانی حمایتی جهادی صورت نگیرد و چرخ اقتصاد کشور نچرخد، بلکه وضعیت اقتصادی کشور حالتی، شکننده پیدا کند؛

در افواه چنین گفته می‌شود که دولت محترم کشور را رها کرده است، کار به جایی رسیده که نه چرخ کارخانه‌ها می‌چرخد و نه چرخ سانتریفیوژها و پس از عهد شکنی آمریکا برای حل مشکلات کشور باز هم به دستان دولتهای اروپایی چشم دوخته شده است؛ از سویی به جز مبانی نظری گفته شده، گمشده بنیادین دیگری که سبب آزردهی نخبگان و جمهور مردم شده، مسئولیت ناپذیری در این نوع حکمرانی نفت پایه و شبه مدرن است؛ گوا اینکه از مهمترین دلایل وضع موجود همین نکته است که دولتمردان خود را پاسخگوی سیاست‌های اتخاذی پنج ساله خویش نمی‌دانند و احساس خطری از جانب نظار قانونی نمی‌کنند؛ چه بسا می‌دانند اگر

نمایندگان دلسوزی هم پیدا شوند و بخواهند آنها را برای طلب پاسخ به مجلس بکشانند، بعد از استیضاح با آرای بیشتری به وزارتخانه خود باز می گردند. گو این که گواهی به متخصصان و دانشگاهیان اگر در بازار ارز آشفتگی حاکم است، اگر با رشد کمرشکن قیمت اقلام عمومی مواجه ایم، اگر بر صف بی کاران کشور افزوده می شود، اگر بازار مسکن بی صاحب است و بسیاری مشکلات دیگر که پیش روی ماست، همه و همه بخاطر نقشه های پلید آمریکای جنایتکار و همدستان اروپایی آنها نبوده، بلکه بخش اعظم آن به این دلیل است که دولت و دیگر قوای کشور به وظایف ذاتی و قانونی خود بدون مماشات عمل نمی کنند.

چه باید کرد؟

۱- تحلیل و تجویز راهبردی در لایه اجتماعی

۱-۱- دوگانه واقعیت/ بر ساخته

اینک مبانی نظری و نسخه نادرست تیم اقتصادی دولت محترم، اثرات اجتماعی خود را آشکار نموده است. زیرا روشن شده که میان «گشودگی اقتصادی» و «مذاکره و سازش»، نسبتی ذاتی وجود ندارد، چون مشاهده شده که نه فقط چرخیدن «چرخ اقتصاد» با این روش نتیجه نداده، بلکه «چرخ تولیدات داخلی» و «چرخ سانتریفیوژها» را توأمان متوقف کرده است. وضع معیشتی کنونی مردم، گویای این حقیقت است که ما به «دولت برپا» نیاز داریم، نه «دولت برجام». با این مبانی نظری، ساده اندیشانه و خام نگرانه، همه چیز به نسبه داده شده و چیزی نقد به دامن ملت نیامد و این یعنی تضعیف هویت و استعداد ایرانی. آری! آنچه رهبر انقلاب در خشت خام می دید، عقلای تکنوکرات و برخی دیپلمات ها، در آینه ندیدند و بر سر ما، آن آمد که نباید. با فکر نادرست «غربمداری» و «دراز کردن دست نیاز به سوی آمریکای جنایتکار و اروپای همدست او»، تن رنجور معیشت مردم، رنجورتر شده و مردم با تمام وجود، درد ناشی از نسخه اقتصادی نادرست دولت را احساس می کنند. این دریافت ها، فقط «احساس» نیست، بلکه «واقعیت» بوده، و همین واقعیت، چنین احساسی را در مردم پدید آورده است. پس «انکار» کارگزاران چشم دوخته به غرب، آنها را بیش از پیش، از جامعه ایرانی، «بیگانه» خواهد کرد از این رو جا دارد با واقعیات پیش روی، مبانی نظری و عملی منطبق با زیسته ایرانیان در دستور کار کارگزاران قرار گیرد زیرا دانشگاهیان و استادان متعهد، خویش را کمک کار دولت محترم دانسته و خواستار عزت ملی هستند

۱-۲- دوگانه نظام اسلامی/ سیستم بروکراسی

توطئه پنهان و نانوشته جریان غرب این است که از طریق راهبرد فرسوده «فشار از پایین، چانه زنی از بالا»، بر سر سیاست های راهبردی و اساسی انقلاب در حوزه منطقه، «معامله» و «امتیازگیری» کند، به این صورت که دنباله رسانه ای و تحلیلی نیروهای غیر انقلابی و تکنوکرات در داخل و خارج، تلاش می کنند تا «مشکلات اقتصادی» به «سیاست های منطقه ای نظام»، ارجاع شود و این گونه به مردم القاء گردد که «دشواری های معیشتی مردم»، حاصل اصرار نظام بر «حمایت از خط مقاومت در منطقه» بوده و چنانچه از این سیاست، دست

کشیده شود، رونق اقتصادی از راه خواهد رسید! در واقع، جریان رسانه ای کارگزارانِ غربگرا، «آگاهانه» و «عامدانه» می خواهد از این وضع خودساخته، به عنوان یک «فرصت» برای خود استفاده کرده و به جای این که در جایگاه «متهم» بنشینند و پاسخ گوی «کم کاری ها» و «سستی ها» و «وعده های خیالی» خود به ملت بزرگ ایران باشد، نقش «شاکی» و «منتقد» به خود گرفته، بر جای «مدعی» نشسته و اعتراض ها را به سوی فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی و سیره بنیانگذار و خلف صالح اش، سوق دهد. جنبش های اصیل استادی و دانشجویی و اجتماعی فراموش نمی کنند که هنر نیروهای تکنوکرات، مصادره به مطلوب و تبدیل کردن تهدید علیه ایرانیان به فرصت بمتابۀ جمع آوری غنائم است؛ گو این که نیروهای تکنوکرات در نسبت با غرب، همواره زیست سیاسی ضمیمه ای داشته اند و با توجه به آموزه های تاریخی یک صد سال اخیر می دانند که به طور مستقل، بدنه اجتماعی تثبیت شده و متعهد به خویش ندارند. از طرف دیگر، سیاست های ضد اجتماعی شان، مردم را سخت سرخورده و هواداران شان را پشیمان کرده است، از این رو، میراندن امید اجتماعی نسبت به اصل نظام یا سیاست های هویتی و اساسی آن، در دستور کار قرار گرفته و می خواهند به بهای زدودن اعتماد سیاسی مردم به انقلاب و وفاداری شان به سرشت نظام، موقعیت سیاسی خویش را حفظ کنند. در مقابل، نباید اجازه داد که ناکارآمدی یک تفکر، به پای اصل نظام و سیاست های فراملی آن نوشته شود، و این امر، به معنی اهتمام نسبت به ایجاد تمایز و تفکیک میان اصل نظام و جریان بروکرات - تکنوکرات و یا میان ساخت دیوان سالاری دولتی و سرشت قدسی و حقیقت مدار نظام جمهوری اسلامی است.

### ۱-۳- دوگانه اغتشاش گر / مردم

آنانی که درد معیشت، صدای اعتراض شان را بلند کرده است، اغتشاش گر نیستند، بلکه مردم هستند؛ مردمی که در عین تعلق خاطر به انقلاب، با سیاست های اقتصادی جاری، مخالفت دارند و معتقدند در پناه مذاکره بی حد و حصر با آمریکای جنایتکار سفره شان به مراتب کوچک تر شده است. آری! مانند همیشه، هستند کسانی که می خواهند از آب گل آلود، ماهی بگیرند و با نفوذ و جاگیری در میان مردم، اغتشاش و بحران ایجاد نموده و از مطالبات اقتصادی مردم، چالش امنیتی و سیاسی بسازند، اما حضور و نقش آفرینی این قبیل مارهای کمین کرده، نباید ما را به عنوان ناظران بیرونی، دچار خطای تحلیلی کند؛ حساب مردم، از حساب اغتشاش گران جداست و بر این دو نباید، حکم واحد راند. مردم و دردهای شان را باید دید، نه این که با برچسب ناروای اغتشاش گر، همگان را طرد کرد و اصل تنگنای معیشتی مردم را موهوم و القائی معرفی کرد؛ دولت باید خود را چابک کرده و با نشاط بیشتری خود را به اقصی نقاط کشور رسانیده و با مردم نشست و برخاست کند، از این منظر باید در کنار مردم قرار گرفت و جانب مردم را نگاه داشت اما با تمام وجود، مقابل سربازان آمریکای جنایتکار و اروپای همدست او ایستاد، چنان که در موج قبلی اعتراض های معیشتی مردم، رهبر انقلاب، چنین کردند و به دلجویی و هواداری از مردم پرداختند. عدالت خواهی» و «محرورنوازی»، آرمان و شعار ماست، نه هم جبهگی و همسویی با نیروهای تکنوکرات مرفه و بالانشین. پس به جای «بی تفاوتی» نسبت به اعتراض های معقول و عدالت طلبانه مردمی و یا «تخطئه» و «تحریف» شان، باید همدلانه و صمیمانه در کنار مردم قرار گرفت و پرچم دار

عدالت خواهی شد. ما و مردم، دردِ عدالت داشته و خواهانِ برچیده شدنِ اشرافی گری و تبعیض و فساد هستیم؛ و توأمان از خنثی کردن اغتشاشات و زمینه های ضد امنیتی خرابکارانه نیز غفلت نخواهیم کرد.

۲- تحلیل و تجویز راهبردی در لایه سیاسی

۱-۲- دوگانه پاسخ گویی / استعفا

طرح استعفاء، طرحی انحرافی است، نظام جمهوری اسلامی از حیث ساختار و مقررات حکمرانی نظامی مترقی است؛ دولت‌ها باید پاسخگوی کارهای خود باشند و اینک دولت مستقر نیز با تمام کاستی هایی که دارد، باید به وعده های انتخاباتی خود، جامه عمل بپوشاند، امروز، روز «پاسخ گویی» است، نه روز «کناره گیری». دستگاه های ناظر نیز باید ضمن کمک به دولت محترم اما به وظایف خود بدون هیچ مماشاتی عمل کنند.

۲-۲- دوگانه بازاندیشی ریشه ای / بازاندیشی سطحی

برخی نیروهای غربگرا می خواهند مسأله و ناکامی فلج کننده در مبانی نظری و بسته های اقتصادی- اجتماعی شبه مدرن را به لایه نازل و سطحی فرو کاسته و از درمان و علاج بنیادی، شانه خالی کنند. وضع موجود، به گونه ای نیست که حاملان توسعه شبه مدرن بتوانند واکنشی به آن نشان ندهند، بلکه ناگزیر هستند تحركاتی، هر چند «صوری» و «کم اثر» داشته باشند تا اندکی از التهابات و مخالفت های مردمی کاسته شود، از قبیل این که:

[الف]. به اجرا نهادن برنامه های تسکین دهنده موقتی؛

[ب]. عزل و نصب های موردی؛

[ج]. وعده دهی و فرصت گیری دوباره برای اجرای مبانی نظری غیر مومی؛

[د]. انکار واقعیت های جاری در زندگی معیشتی مردم؛

با توجه به ملاحظات پیش گفته، دولت محترم باید لباس رزم اقتصادی بپوشد و کسالت، سستی و روحیه بروکراتیک را در دفاع از منافع ایرانیان از خود دور کند. ایرانیان اینک خواستار آنند که تیم های اقتصادی و اجتماعی قوا به خصوص دولت محترم را در وسط میدان و در اقصی نقاط کشور به چشم ببینند. از این رو در گام نخست، دولت محترم باید به قوای پر استعداد ملت استظهار یافته و «فکر و مبنای پرهزینه غربمداری» را به حاشیه رانده و تصور نکند که «دراز کردن دست نیاز به سوی غرب»، «گشایش اقتصادی حقیقی و پایدار» در پی خواهد داشت، بلکه همان طور که تجربه عینی اخیر، به وضوح نشان داد، راه رونق و رفاه اقتصادی، از معبر «مذاکره» و «سازش» نمی گذرد و ارتباطی با آن ندارد. دیگر این که باید «کار» و «اقدام» و «عمل» جایگزین «کم کاری»، «اهمال کاری» و «بی عملی» شود و با بسیج همه منابع معنوی و مادی و فراهم کردن زمینه مشارکت ملت و همکاری همه دلسوزان، کشور را به کارگاه بزرگ تبدیل کرد تا به واسطه تحرک و تکاپوی عملی، گره های معیشتی مردم گشوده شود، پرواضع است جز از رهگذر این دو اقدام، هیچ اتفاق جدی و تعیین کننده ای رخ نخواهد داد.

## ۲-۳ - دوگانه هم‌گرایی غیر انقلابی‌ها/ واگرایی غیر انقلابی‌ها

اگرچه محاسبات و ملاحظات سیاسی و منفعت‌اندیشانه، برخی گروه‌های سیاسی را واداشت که بدنه اجتماعی خویش را در اختیار نیروهای تکنوکرات قرار دهند اما این «ائتلاف عمل‌گرایانه»، دیری نپایید و «هم‌گرایی»، جای خود را به «واگرایی» داد؛ چراکه ضعف‌ها و خلاءهای غیرقابل اغماض و برجسته کارگزاران تکنوکرات، حتی فریاد اعتراض نیروهای همسوی ایشان را نیز بلند کرده و در آخرین وضعیت، آنها را به کناره‌گیری نسبی واداشته است. نیروهای سیاسی یاد شده، به خوبی می‌دانند که شکست سیاست‌های نادرست تکنوکرات‌ها، موجب ناامیدی ملت به این مبنای نظری شده و مسیر برای احیای شعارهای انقلاب اسلامی و روحیات جهادی در درمان دردهای مردم فراهم گشته است. از این‌رو، آنان می‌خواهند حساب خود را از نسخه‌های تجویزی خود جدا کنند و بر هویت مستقل و متمایز خویش، پافشارند، که این سیاست با توجه به خودآگاهی و بصیرت ملی ممکن نخواهد شد. این بخش از نیروهای سیاست زده باید التفات داشته باشند که اینک زمان معرفی خود به عنوان "نیروی جایگزین" به ایرانیان نیست، بلکه زمان، زمان اقدام و عمل علیه تروریسم اقتصادی و اجتماعی غرب است و بسیاری از ائتلاف‌ها و وعده و وعیدهای آنها از حافظه تاریخی ملت پاک نخواهد شد، سپس جریان‌های مؤتلف نیز باید پاسخگوی کاستی‌های و غفلت‌های مندرج در مبانی نظری و سیاست‌های اعلامی خود در پیشگاه ملت باشند

## ۲-۴ - دوگانه مجلس دولتی / مجلس مستقل

در طول این مدت، مجلس محترم به وظایف «نظارتی» و «قانونی» خود در برابر دولت محترم، به درستی عمل نکرده و «منفعلان» و «دنبال‌روانه» و یا ناخواسته خود را به خدمت کار خطاهای آنها تقلیل داده است، در حالی که مجلس باید شأن مستقل خویش را در نظر گرفته و هر جا که ضرورت اقتضاء کند، قاطعانه و فارغ از «مصلحت‌اندیشی‌های جناحی» در پیشگاه ایران و اسلام، به وظایف قانونی خود در باره دولت، عمل کند.

## حرف آخر

با توجه به اینکه وضعیت فعلی نتیجه روند چندساله سیاست‌های دولت در نگاه به بیرون و امید به معجزه - برجام بوده است، تبعاً مهمترین راهبرد برون‌رفت از مشکل، تکیه بر توان و ظرفیت‌های داخلی، بومی و تغییر نگاه از خارج به داخل است. مبنای نظری راهبرد دولت، نظریه‌های کلاسیک غربی بوده که هر نوع پیشرفت و تحول در کشور را منوط به اراده قدرت‌های خارجی دانسته که ناخواسته، به همراهی با همه الزامات نظام ظالمانه بین‌الملل موجود منجر شده است؛

اما راهبرد اساسی و ابتکاری انقلاب اسلامی، ارائه «راه سوم» در مقابل راه‌های غربی و شرقی زندگی، حکومت و پیشرفت بود. در واقع، انقلاب اسلامی، یک راه «دیگر» و یک فناوری نوین بود که بشریت را به سوی خود فراخواند و امام خمینی(ره) معمار کبیر انقلاب اسلامی در واپسین ماه‌های حیات پربرکت خود، با اعتماد به نفس کامل در نامه به گورباچف، او را به راه خود و راه انقلاب اسلامی دعوت کرد و ضمن پیش‌بینی

اضمحلال نظام کمونیستی، گورباچف را از رفتن به راه سرمایه‌داری نیز برحذر داشت؛ چراکه به جدّ باور داشت که راه غرب هم سرنوشتی غیر از راه مارکسیستی ندارد.

انقلاب اسلامی، کاربست اسلام و توان و ظرفیت «خودی» برای حل معضلات جامعه را مطرح کرد و اداره کشور با الگوی بومی را در عمل نشان داد. از همان ابتدای پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی، بویژه با شروع جنگ تحمیلی و حمایت همه‌جانبه نظام جهانی از صدام، بین دو الگوی اداره کشور و مدیریت جنگ تحمیلی، اختلاف نظر بود؛ نگاه به بیرون و تکیه بر سیاست و کمک‌های خارجی، یا نگاه و تکیه بر داخل و توانمندی خودی و ابتدای جنگ بر توان و سیاست داخلی. درواقع، دو استراتژی در مقابل ما بود؛ براساس شیوه کلاسیک ما باید به برابری نظامی و لجستیک و سیاسی در مقابل دشمن می‌رسیدیم تا بتوانیم با او مقابله کنیم. اما شکل‌گیری نهادهای انقلابی بویژه بسیج، یک ابتکار جدید برمبنای نگاه به داخل و مردمی کردن دفاع و استفاده از همه ظرفیت‌ها داخلی برای حل معضل بود که نتیجه آن، رقم خوردن صفحه درخشان دفاع مقدس در تاریخ معاصر است که ائتلاف و اتحاد همه قدرت‌های سلطه‌گر و زورگوی جهانی در مقابل آن سر فرود آورد و نتوانست اراده و عزم ملت ایران را بشکند که امروز همه ایرانیان به آن افتخار کنند.

الگوی ابتکاری انقلاب اسلامی، مردمی کردن دفاع و تکیه بر داشته‌های خود در همه امور بود گو این که در جریان دفاع مقدس این استراتژی تثبیت و تأیید شد، گسترش یافت و افتخارات درخشانی را رقم زد که ملتی با دست خالی و با تکیه بر عزم و اراده جوانان خود بر تکنولوژی و ابزارهای پیشرفته همه دنیا که پشت سر صدام و سازمان تروریستی و آدمکش منافقین بودند، غلبه کرد. بعد از دوره دفاع مقدس نیز در برخی عرصه‌های دیگر کم‌کم و بیش از همین الگو استفاده شده و نتیجه داده است، اما چرا امروز برای حل معضلات کشور از این الگو استفاده نشود؟! چه دستی در کار است که نمی‌گذارد ما از توان داخلی استفاده کنیم یا می‌خواهد ما را همواره در شرایطی نگاه دارد که دستمان به سمت دیگران دراز باشد؟!

بنا به قضاوت کارشناسان سیاسی و امنیتی ایران و جهان، امروز اتاق جنگ امریکا، وزارت خزانه‌داری امریکاست؛ وزارتخانه‌ای که ترکیبی از سیاستگذاری مالی- پولی، سیاست اقتصادی و اقدامات دیپلماسی- رسانه‌ای را علیه جمهوری اسلامی سامان داده است؛ در این صورت برای مقابله با این تهاجم همه‌جانبه نیز باید از همه ابزارهای ممکن روانی، رسانه‌ای، سیاسی، اقتصادی و پولی- مالی داخلی و دیپلماسی عمومی در سطوح فراملی استفاده نمود.

بی‌شک مهمترین تهدید اقدامات و سیاستهای امریکا علیه مردم ایران و نظام جمهوری اسلامی، تأثیرگذاری روانی- رسانه‌ای بر ذهن افکار عمومی توده مردم و بعضاً نخبگان سیاسی- اجتماعی برای تحقق فروپاشی هندسه ذهنی و ارتکاب اشتباه محاسباتی در اقدامات و فعالیت‌های سیاستگذارانه برای عبور از این بحران است. از این منظر، پیشانی اقدامات و فعالیت‌های نظام باید بسته رسانه‌ای یا پیوست رسانه‌ای قوی و منسجم برای هر گونه طرح اقتصادی- سیاسی است که از سوی کارشناسان و نخبگان سیاسی و اجتماعی مورد توافق و اجماع قرار گرفته است. افشای طرح و نقشه دشمن، اعتبارزدایی از دنباله‌های رسانه‌ای تبلیغاتی غرب در داخل کشور، انتشار واقعیات و حقایق امور برای جلب همراهی مردم و عدم تأثیرپذیری از جنگ روانی

دشمن، طرح نمونه‌های موفق گره‌گشایی مسائل جامعه از طریق روحیه جهادی-انقلابی در اداره اقتصادی و اجتماعی کشور، مطالبه‌گری برای پاسخگویی مسئولان و مقامات سه قوه و ... بخشی از این فرایند است، ضمن اینکه راهبرد مردمی کردن امور و استفاده از ظرفیت و توان لایزال ملت، از ابتکارات انقلاب اسلامی و الگوی مدیریت ولایی است و باید امور مردم را با خود آنها در میان گذاشت و معضلات را از طریق خود ایشان حل کرد، آموزه ای مردم‌گرایانه که خاندان ستمگر پهلوی با تکیه بر پول نفت و قدرت های بزرگ، قوای ملت و استعداد های مردمی را از مشارکت در اداره کشور دور کرد؛

از سوی دیگر، مقابله علمی و دانشگاهی با آثار تحریم‌ها در حوزه امور بانکی و ارز، فروش نفت و انتقال وجوه حاصل از آن به داخل کشور، بنزین، صنایع بالادستی نفت و گاز، حوزه سرمایه‌گذاری، توجه بنیادین به مسائل و معضلات مربوط نظام بانکی، ایجاد اشتغال و نیز عطف توجه به حوزه مسکن، سلامت و امنیت غذایی و ... به طراحی سیاست‌های متناسب نیازمند است؛ وظیفه ای که یکی از اندیشکده‌های مطالعات راهبردی سازمان بسیج اساتید در دانشگاه تهران با رویکردی حل‌المسائلی، برای برون‌رفت از وضع کنونی کشور تدوین و به ارائه آن به دولت محترم مبادرت کرده است؛ بسته‌ای که همه مفاد آن مبتنی بر نگاه به داخل و استفاده از ظرفیت موجود و بالفعل کشور بوده و از امروز در اختیار دیگر قوای کشور نیز قرار داده می شود.

سازمان بسیج اساتید کشور